

بسم الله الرحمن الرحيم

دیدار رؤسای جمهور امریکا و کوریای شمالی



(ترجمه)

پرسش

به تاریخ 12 جون 2018م ترامپ رئیس جمهوری امریکا و کیم جون اون رهبر کوریای شمالی در سنگاپور با هم دیدار نموده و در پایان این دیدار، دو طرف پیمان نامه مشترکی را به امضاء رسانیدند. این توافق خیلی سریع صورت گرفت، چنانچه یک سال قبل در چنین روزهایی، دو طرف یک دیگر را به استفاده از سلاح هسته‌ای هشدار می‌دادند؛ چه شد که چنین توافقی و با این سرعت صورت گرفت؟ و این که محتوا و نتایج آن چه بوده؟

پاسخ

برای این که به واقعیت مسئله پی ببریم، موارد زیر را به بررسی باید گرفت:

1- امریکا سعی نمود با هشدارهای مکرر و روزافزون کوریای شمالی را وادار کند تا دست از سلاح هسته‌ای بر دارد، اما این هشدارها بی‌فایده بود و کوریای شمالی هرگز به آن تن نداد و از برنامه و سلاح هسته‌ای اش کوتاه نیامد. اینجا بود که امریکا به اسالیب دیگری روی آورد که عبارت از اسالیب دیپلماتیک و سیاسی و فشارهای اقتصادی است. یکی از این اسالیب این بود که امریکا با تمام توان سعی نمود چین را وادار نماید تا بالای کوریای شمالی فشار آورد. ما قبلاً به تاریخ 23 اپریل 2017م در یک پاسخ به پرسش در این

زمینه چنین گفته بودیم: «با توجه به دلایل فوق؛ امریکا به هیچ وجه حاضر نیست با کوریای شمالی وارد جنگ شود و در عین حال هیچ راه حل مناسب دیگری نیز در اختیار ندارد و منتظر نشسته تا چین بالای کوریا فشار آورد و تلاش دارد روند این اعمال فشار سریع تر شود. انگار امریکا چین را هشدار می دهد که باید به امریکا گوش داده و بالای پیونگ یانگ فشار آورد تا از برنامه سلاح هسته ای دست بردارد.»

امریکا در آن زمان به وضوح و توسط سوزان سورنتون معاون وزیر خارجه اش در امور شرق آسیا و بحر آرام اعلان نمود که: «قصد دارد مشکل به وجود آمده با کوریای شمالی را از طریق خلع سلاح هسته ای شبه جزیره کوریا به گونه مسالمت آمیز حل و فصل نماید» (منبع: روسیه امروز 17 اپریل 2017م) به همین دلیل بود که ارتباطات دیپلوماتیک میان دو طرف از طریق چین و با اعمال فشار توسط چین آغاز گردید. این فشارها از طریق اعمال تحریم های اقتصادی و محاصره سیاسی و کار برای منزوی نمودن کوریای شمالی در سطح جهانی و همچنین راه اندازی تبلیغات علیه آن به پیش برده شد تا کوریای شمالی وادار شود دست از سلاح هسته ای بردارد. در عین حال امریکا وعده داد که اگر کوریا همکاری نماید، اقتصاداش را به گونه مستقیم و یا توسط کوریای جنوبی شکوفا خواهد نمود و کوریای جنوبی داشت اندک اندک خودش را به کوریای شمالی نزدیک تر نموده و راه را برای ارتباط آن با جهان باز می نمود.

2- روابط دیپلوماتیک سری با کوریای شمالی از طریق چین عملاً آغاز گردید، چنانچه تیلرسون وزیر اسبق خارجه امریکا در جریان سال 2017م و از طریق چین با مسئولین کوریای شمالی دیدار و گفتگو نمود. او اسلوب متهورانه و هشدارآمیز ترامپ مبنی را بر محو کوریای شمالی از نقشه زمین به باد انتقاد گرفته و با آن مخالفت نمود. در عین حالی که تیلرسون در چین و به گونه مخفی سرگرم گفتگو با مسئولین کوریای شمالی بود، ترامپ یک بار دیگر به کوریای شمالی هشدار داد. وقتی کوریایی ها این هشدار را شنیدند، فوراً جریان گفتگوها با تیلرسون را متوقف نموده و چین را به جانب کشور خویش ترک کردند. تیلرسون خشم گین شد و به تاریخ 20 جولای 2017م بود که ترامپ را احمق خطاب نمود. این جریان را شبکه تلویزیونی ان بی سی امریکا به تاریخ 4 اکتوبر 2017م و توسط سه تن از مسئولین امریکایی فاش نمود. پس از آن که تیلرسون اعلان نمود که امریکا توسط برخی مراجع، به گونه مستقیم با کوریای شمالی در ارتباط می باشد، ترامپ در تویترش چنین نوشت: «من به ریکس تیلرسون وزیر خوب خارجه مان گفتم که با تلاش هایش برای گفتگو با این مرد موشک پران کوچک، وقت اش را هدر می دهد.» اسلوب تهدید در جریان مذاکرات توسط مایک پنس معاون رئیس جمهور امریکا نیز به کار گرفته شد؛ وی سعی نمود به بهانه مشارکت در بازی های زمستانی المپیک در کوریای جنوبی با مسئولین کوریای شمالی دیدار و گفتگو نماید. وی به تاریخ 7 فبروی 2018م در جریان سخنانی در پایگاه هوایی کشورش در یوکوتای جاپان برای زمینه سازی مذاکره با مسئولین کوریای شمالی چنین گفت: «کشور ما همواره در راستای تأمین صلح سعی نموده و اینک بیشتر از هر زمان دیگری برای آینده بهتر تلاش خواهیم نمود.» (منبع: رویترز 7 فبروی 2018م) او این سخنان را در حالی گفت که آماده گی سفر را به جانب کوریای جنوبی به هدف دیدار با مسئولین کوریای شمالی می گرفت، اما به بهانه مشارکت در بازی های المپیک. همین مایک پنس درست سه روز بعد از این سخنان اش، به تاریخ 10 فبروری 2018م چنین گفت: «لازم است کار برای منزوی نمودن کوریای شمالی از نظر اقتصادی و دیپلوماسی ادامه پیدا کند تا زمانی که دست از برنامه هسته ای و بالستی اش بردارد.» (منبع: العربیه 10 فبروی 2018م)

اظهارات اخیر پانس باعث شد کوریای شمالی دیدار با وی را لغو کند. تمام این موارد نشان می‌دهد که امریکا به رهبری ترامپ چنین اسلوبی را با کوریای شمالی پیش گرفته بودند، یعنی تهدید و هشدار همزمان با مذاکره و ارتباطات دیپلماتیک تا دشمن را وادار کنند در برابر خواسته‌های امریکا تن دهد. اظهارات مایک پامپو در جریان تسلیم شدن ریاست استخبارات امریکا (سی آی ای) نیز بیانگر همین اسلوب می‌باشد: «ترامپ رئیس جمهور امریکا روی حل دیپلماتیک بحران با کوریای شمالی تمرکز نموده، اما "سی آی ای" سعی دارد گزینه‌های دیگری نیز در اختیار او قرار دهد.» (منبع: خبرگزاری رویترز 23 جنوری 2018م) به این ترتیب امریکا راه حل دیپلماتیک را با گزینه‌های دیگری آمیخته با تهدید روی دست گرفت. به نظر می‌رسد این اسلوب به طبیعت ریکس تیلرسون خوش نیامد، زیرا این اسلوب او را به صفت وزیر خارجه آزار می‌داد و در نتیجه ترامپ وی را از سمت‌اش برکنار نمود.

3- اسلوب دیپلماتیک آمیخته با تهدید نتیجه نداد، زیرا کوریایی‌ها وقتی تهدیدها را می‌دیدند، مذاکرات را ترک می‌نمودند و اگر مداخله چین نمی‌بود، مطمئناً دیدار ترامپ و کیم صورت نمی‌گرفت. به همین دلیل بود که ترامپ پس از دیدار با کیم «در یک کنفرانس مطبوعاتی در سنگاپور از رئیس جمهور چین به خاطر تلاش‌هایش در ماه‌های گذشته برای زمینه‌سازی برای این نشست تاریخی، اظهار سپاس و قدردانی نمود.» (منبع: خبرگزاری فرانس پرس 12 جون 2018م) چین قبلاً بالای کوریای شمالی فشار آورده بود تا حاضر شود امتیازهایی را به امریکا بدهد، چنان چه آژانس خبری رسمی چین (شینخوا) به تاریخ 28 مارچ 2018م با نشر خبری گفت: «کیم جون اون رهبر کوریای شمالی در یک سفر غیررسمی به تاریخ 25 مارچ 2018م وارد چین شد و تا 28 مارچ 2018م در آنجا اقامت داشت. دو طرف در این سفر اوضاع جهان و شبه جزیره کوریا را به گونه‌ای همه جانبه مورد بررسی قرار دادند. شی جین پینگ رئیس جمهور چین در این دیدار به همتای کوریایی‌اش خبر داد که چین در مورد خلع سلاح هسته‌ای شبه جزیره کوریا و تحقیق صلح و استقرار و حل مشکلات از طریق گفتگوها کاملاً مصمم می‌باشد. در عین حال آژانس خبری کوریای شمالی نیز خبر داد که کیم جون اون رهبر این کشور به چین سفر نموده تا انتخاب مجدد شی جین پینگ را به عنوان رئیس جمهور چین شخصاً و از نزدیک به وی تبریک بگوید و این بیانگر روابط معمول و دوستانه میان دو کشور می‌باشد. هم‌چنین به نقل از وی گفت که او ابراز امیدواری نمود و نخستین سفرش به چین در برپایی صلح و ثبات در شبه جزیره کوریا نقش داشته و گفته که حاضر است با امریکا و کوریای جنوبی پشت میز مذاکره بنشیند؛ به علاوه این که آماده است با رهبران این کشورها دیدار نماید. وی افزود: «خلع سلاح هسته‌ای کوریا تنها در صورتی ممکن است که واشنگتن و سئول آماده باشند اقدامات منظم و به هم پیوسته‌ای را در جهت تحقق صلح و ثبات انجام دهند.»

به همین دلیل بود که ترامپ به تاریخ 28 مارچ 2018م با خرسندی از آن سفر، در تویتر خویش اعلان نمود: «شب گذشته از رئیس جمهور چین نامه‌ای دریافت نمودم که در آن از موفقیت‌آمیز بودن دیدارش با کیم گفته و این که کیم خواستار دیدار با من می‌باشد.» به این ترتیب دیده می‌شود که چین کوریای شمالی را در برابر امریکا فدای منافع خویش نموده، طوری که بالای کوریای شمالی فشار آورده تا رهبر آن حاضر شود به امریکا امتیاز داده و حاضر شود با ترامپ دیدار نماید.

چین هم‌چنین در اعمال فشارهای سیاسی و صدور فیصله‌های شورای امنیت و اعمال تحریم‌های اقتصادی بالای کوریای شمالی سهم فعال داشته و یکی از مؤثرترین عواملی به شمار می‌رود که کوریای شمالی را وادار نمود تا حاضر شود در مورد برنامه هسته‌ای اش کوتاه بیاید. کوریای شمالی می‌داند که اگر حمایت و تأیید چین را از دست بدهد و چین آن را محاصره نموده و بالای آن فشار وارد نماید، کوریای شمالی از هردو جهت با مشکل مواجه خواهد شد؛ بنابراین این حاضر شد کوتاه بیاید. وزارت خارجه چین پرده از

نقش مؤثرش در تصمیم اخیر کوریای شمالی برداشته و اعلان نمود: «پیکینگ در شبه جزیره کوریا نقش مثبتی را بازی نموده.» (منبع: خبرگزاری رویترز 23 می 2018م) به این ترتیب چین نشان داد که به منافع تجارتهای اش با امریکا نسبت به هم‌پیمانی که از آن منافع اقتصادی متصور نیست، بیشتر اهمیت می‌دهد، هم‌پیمانی که حتی ممکن است به خاطر آن از نظر اقتصادی ضررهایی نیز متوجه آن گردد، ولو این هم پیمان دوست ایدیولوژیک هم باشد.

بناءً محاسبات دولت بزرگ کمونستی تبدیل به منافع تجارتهای شده و حمایت از سایر دولت‌های کمونستی و هم‌پیمان دیگر جای منافع اقتصادی را نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد چین هنوز پی نبرده که امریکا سعی دارد کوریای شمالی را خلع سلاح هسته‌ای کند تا با استفاده از این مسئله، چین را در محاصره خویشتن قرار داده و بالای منطقه بحری چین در شرق و جنوب تسلط پیدا کند.

4- آنچه این مسئله را بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهد، اینست که چین اعلان نمود که از این نشست و آماده‌گی هم‌پیمان‌اش، کوریای شمالی، برای امتیاز دادن به امریکا در خصوص سلاح هسته‌ای اش استقبال می‌نماید. چنان‌چه وانگ مسؤل دیپلومات‌های چینی و عضو مجلس دولت چین پس از دیدار ترامپ و کیم گفت: «پیکینگ از ملاقات ترامپ رئیس‌جمهور امریکا و کیم جون اون رهبر کوریای شمالی استقبال نموده و از آن حمایت می‌کند و آرزومند است دو کشور به توافقات اساسی دست یابند که در خصوص خلع سلاح هسته‌ای مؤثر باشد.» او افزود: «در عین حال برای برکندن ترس و بیم‌های منطقی کوریای شمالی، نیاز به راهکارهای موثقی در جهت تحقق صلح و ثبات در شبه جزیره کوریا است.» (منبع: خبرگزاری رویترز 12 جون 2018م)

اگر چین درایت کافی سیاسی و اراده قوی سیاسی می‌داشت، قطعاً بالای کوریای شمالی، که هم‌پیمان‌اش می‌باشد، فشار نمی‌آورد، اما این موقف‌گیری ثابت می‌کند که افق درک سیاسی چین در مورد سیاست‌های بین‌المللی هنوز کوتاه و محدود بوده و اراده سیاسی آن نیز تا کنون ضعیف است. به همین دلیل است که به روابط خوب تجارتهای اش با امریکا اکتفاء نموده و حاضر شد در بدل آن کوریای شمالی را وادار کند که به امریکا تن دهد. چین به عواقب این تصمیم‌اش نیندیشیده و فکر نمی‌کند که اوضاع به کجا خواهد انجامید، چنان‌چه بعید نیست امریکا تمام تلاش‌اش را به خرج دهد تا کوریای شمالی را به جانب خود کشانیده و آن را نسبت به چین به خود نزدیک‌تر کند و سعی کند دو کوریا را با یک‌دیگر متحد نماید و از آن کوریای جدید و نیرومند و مستقلى بسازد که بتواند بدور از تأثیرات چین تصمیم بگیرد. نمونه چنین سیاستی را می‌توان در ویتنام جستجو کرد که سر انجام پس از آن که امریکا در توافق نامه سال 1975م در پاریس میان ویتنام جنوبی و شمالی وحدت به وجود آورد، ویتنام شروع به خصومت با چین نمود.

5- چین در وادار نمودن کوریای شمالی به دیدار با ترامپ و بحث و گفتگو در خصوص خلع سلاح هسته‌ای آن، نقش مهم و اساسی را داشت، بدون این که از خلع امریکا از سلاح هسته‌ای چیزی به زبان آورد، در حالی که امریکا یگانه دولتی است که سلاح هسته‌ای را استعمال نموده و با استفاده از آن در زمین فساد افکنده است. به این ترتیب دیدار ترامپ و کیم صورت گرفت و انتظار می‌رفت این دیدار دو روز ادامه پیدا کند، اما به یک روز خلاصه گردید و در این یک روز روی چهارچوب کاملی توافق صورت گرفت که بیانگر سرعت انعطاف پذیری کوریای شمالی با خواسته‌های امریکا می‌باشد. کوریای شمالی برای اثبات آماده‌گی‌هایش جهت دست برداشتن از برنامه هسته‌ای، پایگاه آزمایش تجارب هسته‌ای اش را تخریب نمود و هم‌چنین سه تن از زندانیان امریکائی‌اش را آزاد نمود. ترامپ در واکنش، ابراز خرسندی نموده گفت: «این یک دیدار عالی بوده و پیشرفت‌های بزرگی به بار آورد». کیم جون اون نیز این دیدار را یک حادثه تاریخی بر شمرده گفت: «جهان شاهد تغییرات بزرگی خواهد بود.» (منبع: خبرگزاری رویترز 12 جون 2018م)

دو رهبر بیانیه مشترکی متشکل از چهار بند را امضاء نمودند؛ اول: دو طرف بر اساس خواست و تمایل مردم دو کشور به صلح و شکوفایی اقتصادی، پایبند برپائی روابط خوب دو جانبه خواهند بود. دوم: دو طرف در جهت استحکام صلح دائمی در شبه جزیره کوریا کار و تلاش خواهند نمود. سوم: کوریای شمالی متعهد است اقدامات لازم را جهت خلع کامل سلاح هسته‌ای شبه جزیره کوریا روی دست گیرد. بند چهارم مربوط به مسائل بشری بود و آن این که کوریا تعهد می‌کند استخوان‌های سربازان گمنام و اسیران امریکا از زمان جنگ امریکا و کوریا در سال‌های 1950 - 1953م را به امریکا برگرداند. ترامپ این دیدار را "فراگیر و بسیار با اهمیت" تلقی نمود و کیم تعهد نمود که شبه جزیره کوریا را از سلاح هسته‌ای به صورت کامل پاک خواهد نمود. (منبع: شبکه بی بی سی 12 جون 2018م) این بیانیه نشان می‌دهد که دو طرف روی یک چهار چوب عام توافق نموده اند و نه برخی نقاط مشخصی که چگونگی عملی شدن خلع سلاح هسته‌ای، ابزار، زمان و سایر اموری که بتواند این توافق را جنبه اجرایی فوری ببخشد، روشن نماید؛ چنانچه در توافق نامه هسته‌ای با ایران شاهد بودیم که تمام این موارد به تفصیل نگاشته شده بود.

6- بنا بر این انتظار می‌رود امریکا مذاکرات و گفتگوهای درازمدتی را با کوریای شمالی آغاز نماید که ممکن است سال‌ها ادامه پیدا کند. هم‌چنین به نظر می‌رسد ترامپ خواسته توافقی اولیه و سریعی را با کوریای شمالی حاصل نموده و مشکل را یک طرفه کند، زیرا او در آغاز هشدارهایی را متوجه کوریای شمالی نموده بود و نمی‌توانست از آن برگشت نماید، مگر این که دست‌آوردی داشته باشد که نشان دهد او در کار خویش موفق بوده و کوریای شمالی را وادار به اطاعت از خود نماید. چنانچه قبلاً اشاره شد؛ اگر فشارهای چین نمی‌بود، هشدارهای ترامپ قطعاً منجر به این دیدار و اعلان آماده‌گی کوریای شمالی جهت خلع سلاح هسته‌ای و امضای توافقنامه با ترامپ صورت نمی‌گرفت تا فرصتی برای ترامپ باشد که موفقیت تاریخی را به نام خودش رقم زند و راه را به سوی موفقیت احتمالی‌اش برای بار دوم در انتخابات پیش‌روی امریکا باز کند که قرار است دو سال و اندی بعد برگزار شود. در عین حال تمام رسوایی‌هایی را که علیه او به راه انداخته شده و هنوز ادامه دارد، سر پوش گذاشته و اتهامات مبنی بر ناکامی و انتقاد دیگران از حماقت‌ها و سفاهت‌هایش را تحت الشعاع قرار دهد. اظهارات خود ترامپ دلیل روشن این ادعاهاست. چنانچه گفت: «اون به من گفت که کشورش سرگرم تخریب پایگاه آزمایش و پرتاب موشک‌هاست، به مجرد این که از گام‌های مهمی در خصوص خلع سلاح هسته‌ای مطمئن شویم، تحریم‌های اقتصادی را بر طرف خواهیم نمود، ما از هیچ چیزی در جریان مذاکرات کوتاه نیامدیم، به زودی مانورهای نظامی را که هدف از آن کوریای شمالی بود، متوقف خواهیم نمود. من اون را در زمان مناسب به قصر سفید دعوت خواهم نمود.» ترامپ افزود: «من و اون توافقنامه خلع سلاح هسته‌ای را امضاء نمودیم، فکر می‌کنم چهارچوب کاری لازم جهت آماده‌گی برای خلع کوریای شمالی از سلاح هسته‌ای را داریم.» (منبع: شبکه الجزیره 12 جون 2018م) به این ترتیب، ترامپ تصمیم گرفت دوسیه تنش با کوریای شمالی را این گونه بسته نموده و طوری وانمود کند که با این کارش پیروزی بزرگی را به دست آورده.

7- بدون شک بستن دوسیه تنش‌ها با کوریای شمالی و یا آرام نمودن آن، به ترامپ فرصت می‌دهد به جنگ تجاری با هم‌پیمانان و دشمنان‌اش بپردازد. می‌دانیم که روابط او پس از وضع مالیات هنگفت گمرکی بالای صادرات فولاد و آلومینیم با هم‌پیمانان‌اش تنش‌آمیز شد. او توافقات تجارتي پیش از خود با آنان را غیرعادلانه خوانده و در به تاریخ 8 جون 2018م در حالی که عازم کانادا جهت شرکت در نشست هفت کشور صنعتی بود، در حساب توئیتر خویش چنین نوشت: «سعی خواهم نمود توافقنامه‌های غیرعادلانه با دولت‌های گروه هفت را اصلاح نمایم. اگر چنین نشد به وضعیت بهتری برای خویش بیرون خواهیم رفت.» جاستن ترودو نخست

وزیر کانادا و ماکرون رئیس جمهور فرانسه این اقدامات ترامپ را در یک کنفرانس مشترک مطبوعاتی رد نموده گفتند: «ما آماده نیستیم برای نشر بیانیه مشترک با امریکا هرچیزی را بپذیریم.» (منبع: فرانس پرس 6 جون 2018م) ترامپ در واکنش، فرانسه و کانادا را متهم نمود که بالای کالاهای امریکایی مالیات سنگین وضع نموده اند و نخست وزیر کانادا را "بسیار کینه توز" خواند. یک مسئول کانادایی شام 7 جون 2018م خطاب به خبرنگاران گفت: «اختلافات بزرگی در خصوص بسیاری از مسائل به وجود خواهد آمد.» (منبع: خبرگزاری رویترز 8 جون 2018م) حتی ماکرون رئیس جمهور فرانسه نیز، که سعی دارد روابط فرانسه و امریکا را نزدیک تر کند، نتوانست اعصابش را کنترل نموده و همگامی با امریکا را با در نظر داشت روش مدارا و پیچاندن رقیب، مراعات نماید، زیرا فرانسوی ها مانند انگلیسی ها در این کار مهارت کافی ندارند. ماکرون گفت: «در صورت لزوم سایر اعضای شش گانه این مجموعه، مجموعه خاص خودشان را تشکیل خواهند داد.» او که از ترامپ انتقاد می نمود افزود: «هیچ رهبری تا ابد باقی نخواهد ماند.» (منبع: خبرگزاری رویترز 8 جون 2018م)

خباثت و مکاره گی انگلیس در این جا نیز برملا بود، آنگاه که انگلیس ها طوری وانمود کردند که انگار با این عکس العمل ها در برابر ترامپ موافق نیستند، تا با این کار جای پایی برای خویش در امریکا حفظ نمایند، اما از جانب دیگر، سایر اعضا را علیه امریکا تحریک نمودند، چنانچه تریزومی در برابر خبرنگاران گفت: «از اتحادیه اروپا می خواهیم در واکنش به مالیات وضع شده توسط امریکا خویشتن داری بیشتری از خود نشان دهند و واکنش ها باید قانونی و متناسب باشد.» (منبع: خبرگزاری رویترز 8 جون 2018م) نخست وزیر آلمان به تاریخ 10 جون 2018م در سخنانی در تلویزیون آر دی آلمان در خصوص تصمیم ترامپ مبنی بر پس گرفتن امضایش گفت: «این اقدام سخت گیرانه ای بود، این کار ناامید کننده بود، اما باید دانست که آخر خط نیست.» هایکو ماس وزیر خارجه آلمان نیز در تویتر خویش در واکنش به تویت ترامپ نوشت: «حجم عظیمی از اعتمادها از هم پاشید.» تنش ها در نشست هفت کشور صنعتی، که در کانادا دایر شده بود، با هجوم رهبران سایر کشورهای عضو بالای ترامپ به اوج خود رسید. ترامپ امضایش بالای بیانیه مشترک این نشست را پس گرفت و نخست وزیر کانادا را-که ریاست این دور را به عهده داشت- متهم نمود که شفاف عمل نکرده و کارکردش ضعیف بوده. (منبع: فرانس پرس 10 جون 2018م) ترامپ با تأخیر به این نشست آمده بود و پیش از آن که رسماً به پایان رسد، آن را ترک نمود.

به این ترتیب معلوم می شود که جنگ تجارتي عملاً راه افتاده و ترامپ به تاریخ 2 مارچ 2018م با این تویتاش در تویتر، آغاز این جنگ را اعلان نمود: «وقتی دولتی ملیاردها دالر در تجارتاش با سایر دولتهایی که با آن داد و ستد دارند خسارت کند، جنگ تجارتي در چنین حالی خوب است و به ساده گی می توان آن را راه اندازی نمود.» تمام این موارد به خوبی بیانگر این است که دوسیه جنگ تجارتي از نظر امریکا بسیار مهم می باشد، زیرا هنوز از پیامدهای بحران مالی-که در سال 2008م به اوج خود رسید- رنج برده و میزان بدیهی های آن به بیشتر از 20 تریلیون دالر می رسد. اینک ترامپ، که مفکوره تجارتي دارد، سعی می کند اقتصاد امریکا را با شعار "اول امریکا" نجات دهد، شعاری که اگر امریکا از آن در جهت نفوذ بالای جهان استفاده نماید، بسیاری از سازمان های جهانی از هم خواهد پاشید و در نتیجه؛ نظام جهانی موجود متلاشی گردیده و موقف جدید جهانی ظهور خواهد نمود، زیرا امریکا دیگر برای باقی ماندن در ابرقدرتی جهان، از سایر دولت ها کمک نگرفته و در تنظیم امور تجارتي از خود گذشت و خویشتن داری نشان نمی دهد، بلکه تنها و تنها به رهبری جهان و منافع تجارتي اندیشیده و به کمک برای هم پیمانان خویش فکر نمی کند، به این گمان که می تواند آنان را تحت شعاع خویش نگهداشته و به دنبال خود بکشاند.

8- شکی نیست که امریکا به هیچ توافقنامه‌ای پایبند نبوده و هرگاه منافع آن تقاضا نماید، هرگونه وعده و تعهدی را نقض نموده و یا از آن کنار می‌رود، چنانچه در سال 2003م، که زمان حاکمیت جورج بوش پسر بود، توافقنامه‌ای را که قبلاً در سال 1994م در زمان حاکمیت بیل کلینتن با کوریای شمالی امضاء نموده، نقض کرد. ترامپ رئیس جمهوری کنونی نیز بیانیه مشترک با هم‌پیمانان‌اش در نشست هفت کشور صنعتی امضاء نمود، اما فقط یک روز بعد این توافق را نقض نموده و امضایش را پس گرفت. چندی قبل نیز توافق هسته‌ای‌اش با ایران را نیز که در زمان حکومت اوباما در سال 2015م امضاء شده بود، به ساده‌گی نقض نمود. بنابر این، این توافق‌اش با کوریای شمالی نیز هیچ ضمانتی برای تداوم آن وجود ندارد و دیری نخواهد گذشت که امریکا با شروع مذاکرات در مورد آن، بالای کوریای شمالی فشار خواهد آورد که به خواسته‌هایش گوش دهد.

نقض پیمان، عهد شکنی، بی‌توجهی به دیگران و کار در راستای تحریک دیگران تبدیل به ویژه‌گی جدائی ناپذیر امریکا شده که تمام این ویژه‌گی‌ها اسباب فروپاشی آن را، دیر یا زود، فراهم خواهد آورد. آنگاه است که دولت خلافت راشده سر بلند نموده و به خواست الله سبحانه و تعالی جایگاه نخست رهبری سیاسی جهان را در دست خواهد گرفت تا عدالت را تأمین نموده، عهد و پیمان را پاس داشته، هدایت را گسترانیده، حق را جامه عمل پوشانیده و باطل را محو و نابود کند. به این ترتیب اسباب سعادت واقعی بشر را فراهم آورده و بشریت زیر سایه آن در تمام عرصه‌های زنده‌گی در امن و امان کامل قرار خواهد گرفت. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرا رسیدن چنین زمانی را پس از فروپاشی حاکمیت‌های ستمگار بشارت داده آنجا که می‌فرماید: «ثم تكون خلافة علی منهاج النبوة» این حدیث را احمد از حذیفه رضی الله عنه روایت نموده. بی‌شک تحقق چنین آرمانی بر الله عزیز و مقتدر دشوار نیست.

2 شوال 1439 هـ.ق

26 جون 2018 م